

جمعه‌های داغ برای پرندگان و حیوانات! بازاری به وسعت یک زمین داغ و بایر در انتهای بولسوار میامی و منطقه پنج مشهد یعنی مهدی آباد که برای خرید و فروش حیوانات در نظر گرفته‌اند. هر کسی هر مدل حیوان دارد، با ماشینی یا موتور به بازار می‌آورد. تعدادی از خریدارها هم قفس خالی به همراه دارند تا اگر معامله‌شان به قولی جوش خورد، حیوان زیان‌بسته را داخل قفس بگذارند و ببرند. پرنده‌ها از عروس هلندی، طوطی و هدهد تا مرغ داده‌است. بعضی از سگ‌هایی که فروشنده‌گان به بازار آورده‌اند، از نژاد سگ‌هایی هستند که در برخی تعابیر، از آنان با نام «سگ آدم‌خوار» یاد می‌شود. اما کی‌وتر بیشترین اقبال را در خریدوفروش دارد. تمام قفس‌های بزرگی که در ۳۲ دیف در بازار تعبیه کرده‌اند، پر از کبوتر است. فروشنده‌ها می‌گویند بعضی کبوترها «ساقی» هستند و می‌توانند صاف گرم جابه‌جا کنند! برخی هم برای دعانویسی کاربرد دارند؛ مثل هدهدهای جمعه‌بازار پرندگان.

آفتاب گرم و سوزان به زمین بایر جمعه‌بازار پرندگان می‌تابد تا ثابت‌کننده روزهای گرم تیرماه باشد. جاده منتهی به بازار پرندگان تقریباً شلوغ است. بعضی‌ها با موتور و قفس‌هایی که پشت موتور بسته‌اند، راهی بازار هستند. عده‌ای هم با ماشین و وانت، حیواناتی مثل سگ را به بازار می‌برند. تیب و شکل و شمایل خریدارها به متفاوت است؛ از موتورسوارها تا افرادی که با ماشین‌های شاسی‌بلند برای خرید آمده‌اند. نرسیده به بازار و از دور، سایه‌ی در یک وسعت زمین پیداست. برای ورود به بازار پرندگان باید ۳۰۰ تومان ورودی پرداخت کنیم.

### ۱ روایت اول، فروشندگان سگ

تعداد فروشنده‌های سگ زیاد است و فروشنده‌گان، بیخ‌دل هم، سگ‌هایشان را با قلابه مهار کرده‌اند. در گوشه‌ای از بازار، مردی با سگی بزرگ و خسته در کنار یک وانت نشسته است. در فاصله یک‌متری او، مرد دیگری با سگی ته‌چامی ایستاده است. سگ قهوه‌ای این مرد آرام و قرار ندارد. هر کسی که از کنارش رد می‌شود، پارس می‌کند. گوش‌های کوچک سگ در سر مریعی‌اش گمشده است. با پارس و تلاقی که می‌کند کسی جرئت نزدیک شدن به سگ را ندارد. کافی است یک قدم نزدیک‌شوی تا روی دویا پچه‌ایستند و دندان‌های تیزش را نشان دهد. صاحب سگ با سختی قلابه‌اش را دودستی گرفته است. پارس‌های بلند سگ و تقلاهایش، دیگران را متوجه خودش می‌کند. در کمتر از چند دقیقه، حلقه‌ای از مردان مشتاق، دور سگ تشکیل می‌شود و هر کدام از صاحب سگ سؤال‌هایی می‌پرسند. بعضی که خیلی حرفه‌ای هستند، با دیدن سگ، درباره نژادش نظر می‌دهند؛ «از مدل‌های آمریکایی است.

مردی که مانند ما از نژادهای سگ چندان سر در نمی‌آورد، نام سگ را می‌پرسد. صاحب سگ درگیر گرفتن قلابه سگ است و تمام حواسش را جمع کرده تا سگ را مهار کند. همان مردی که شناخت زیادی از سگ‌ها دارد، می‌گوید: «این سگ از نسل پیت‌بول آمریکایی است.

همه همان طوری که نیم‌نگاهشان به سگ است که باچه شلوارشان را نگیزد، گوششان را برای شنیدن توضیحات بیشتر تیز کرده‌اند» «این سگ‌از نوع سگ‌های ۴۸‌دندان است. بقیه سگ‌ها ۳۸‌دندان دارند.» چشم‌ها به دهان و دندان‌های تیز سگ دوخته می‌شود؛ «بافت بزرگی که دارد در جا می‌تواند دست یک آدم را قطع کند.» با شنیدن این حرف‌ها و دیدن تقلای سگ، چند نفری احساس می‌کنند خیلی نزدیک ایستاده‌اند و ترجیح می‌دهند چند قدم عقب‌تر بروند. یک نفر از میان جمعیت، قیمت سگ را می‌پرسد. بالاخره صاحب سگ وارد جریان گپ و گفت می‌شود؛ «این سگ توست است و ۷ ماهه بیشتر ندارد. یک و نیم میلیون تومان می‌فروشم. اگر کمی به خورد و خوراکش برسید، تا چندماه دیگر تا ۶ میلیون تومان هم می‌توانید بفروشید. اگر باغ دارید، برای آنجا سگ فوق‌العاده‌ای است، چون به کسی امان نمی‌دهد و نمی‌گذارد کسی چشم به باغ داشته باشد.»

### ● «سگ‌دعا» در تابستان ممنوع!

با شروع شدن چک و چاره مرد فروشنده و خریدار، مردان ترجیح می‌دهند سراغ سگ دیگری بروند. با فاصله گرفتن آن‌ها، حلقه مردان دور سگ باز می‌شود. دیگر مانع انسانی برای دیدن دو سگ‌فروشی که کنار هم هستند، وجود ندارد. سگ‌کناری در گرمای سر‌ظهر تیرماه خواب‌ناگاری است. با این حال پارس‌های سگ مهاجم بیشتر می‌شود و گردنش را تا جایی که کنشش دارد، به سمت سگ خواب‌آلود می‌کشند و او را مثل خودش از جا بلند می‌کند. با اوج گرفتن پارس دو سگ، مردهای اطراف هم به جوش و خروش می‌آیند. چند مرد از میان جمعیت فریاد می‌زنند: «بیندازشان به هم.

چند نفر با گفتن «ها» و تکرار همین جمله، دو فروشنده را از تعجب می‌کنند که سگ‌ها را به جان هم بیندازند تا دعوا کنند. مردی که سگ مهاجم دارد، برای نشان دادن قدرت همان ۴۸‌دندانی که از آن گرفته است، زیاد مقاومت نمی‌کند. بعد از یکی دوبار «نه» گفتن با زیاد شدن این خواسته، به نشانه رضایت، سکوت می‌کند. اما

# از سگ‌های فول آپشن تا پرندگان ساقی

## گزارش شهرآرا از حاشیه‌های برپایی جمعه‌بازار پرندگان در حاشیه شهر مشهد



عکس: تلخ‌نور/نگارنگار

نگهداری این سگ‌ها را ممنوع کند.

### ● فول آپشن چند ده میلیون!

تعداد سگ‌هایی که برای فروش آورده‌اند، زیاد است. برخی سگ‌ها به قول کاسبان جمعه‌بازار، از نوع فانتزی عروسکی هستند. سگ‌های پاکوتاه و پشمی از این مدل سگ‌ها هستند که خواهان چندانی در میان خریداران ندارند. هرازگاهی چند نفری از کنار آن‌ها رد می‌شوند و برای آنکه دست خالی از کنار این مدل سگ‌ها عبور نکرده باشند، از فروشنده قیمت می‌گیرند.

بین سگ‌هایی که برای فروش آورده‌اند، دور یک سگ که شبیه سگ‌های موادیاب است، شلوغ است. سگ را بدون قلابه داخل پاریدی گذاشته‌اند. سگ سرش را از داخل شیشه‌های ماشین بیرون آورده است و در گرمای هوا له‌له می‌زند. مرد وزنی کنار ماشینی ایستاده‌اند و جواب سؤالات مردانی را که دور آنان ایستاده‌اند، می‌دهند. مرد مدعی است پرورش‌دهنده سگ با دیدن خانواده‌ای که برای تفریح به پارک مراجعه کرده بودند، به سمت دختر پچه‌ی ده‌ساله این خانواده حمله‌ور می‌شود. صاحب سگ نمی‌تواند آن را کنترل کند و در جریان این حادثه، دست دختر پچه میان دندان‌های تیز سگ، به شدت آسیب می‌بیند. آن زمان رسانه‌ها با استناد به این ماجرا بارها متذکر شدند که برخی از نژادهای سگ در حالی در ایران به راحتی خرید و فروش می‌شود که این کار در سایر کشورها ممنوعیت دارد. به عنوان مثال گفته می‌شود در آمریکا نگهداری سگ‌هایی که حالت ته‌چامی بسیار دارند، با محدودیت‌هایی روبه‌روست و برای خرید و فروش و جابه‌جایی برخی نژادهای سگ باید از وسایلی نظیر پوزیند استفاده شود. این قوانین درباره برخی سگ‌های خاص مانند پیت‌بول بیشتر و جدی‌تر است. در دهه ۸۰ یکی از سگ‌های پیت‌بول به شخصی حمله کرد و او را تا آستانه مرگ پیش برد. همین موضوع سبب شد قوانین جدیدی درباره نگهداری این سگ‌ها تصویب شود. در حال حاضر در برخی ایالت‌ها مانند اوهایو و کانزاس، این قوانین به مراتب سخت‌تر است؛ تا جایی که دادگاه این دو ایالت سعی کرده است به‌طور کلی خرید، فروش و

برگشتن می‌دهد. با این کار، همه افرادی که دور و اطراف این سگ هستند، لحظه‌ای می‌ترسند و فروشنده به آنان این اطمینان را می‌دهد که سگش فول آپشن است. فروشنده این بار با غروری بیش از قبل از سگ تربیت‌شده‌اش تعریف می‌کند؛ «فیده هنوز ۸ ماه دارد. ۳ هفته قبل که فیده را به جمعه‌بازار آورده بودم تا ۲۴ میلیون تومان آن را می‌خریدند اما من حاضر نشدم آن را بفروشم.» دونفری

پنج پچ کتا و با تکان سر، قیمتی را که داده است، تأیید می‌کنند و فروشنده حرف‌هایش را ادامه می‌دهد؛ «ارزش این مدل سگ بیشتر از این است. الان هم قصد فروش ندارم و فقط آورده‌امش تا راهی برود!»

### ۲ روایت دوم، پرنده‌فروش‌ها

کنار زمین رهاشده برای خرید و فروش سگ، دیواری کشیده‌اند و در باریکی داخل دیوار تعبیه کرده‌اند. از همان در باریک جمعیت رفت‌وآمد می‌کنند. آن طرف دیوار بازار پرنده‌هاست. دنیای آن طرف دیوار کامل‌مناغوت است. با گذاشتن به آن طرف دیوار و بلندکردن سر، آدم‌ها و قفس‌ها و پرنده‌ها تمام وسعت دید را در بر می‌گیرد. بره‌ایی در هوا رقصان است که بعد از ورود به داخل و عادت کردن چندثانیه‌ای چشم‌ها به قفس‌ها، جلوسد خریداران را می‌گیرد. در قسمت پرنده‌ها چند ردیف قفس بزرگ فلزی با تورهای درشت به موازات هم گنجانده شده است. فضای کوچک و جمعیت زیاد فروشنده‌گان، جواری است که باید با وسواسی خاص فروش کرد. کنار سگ قفس تعدادی پرده‌ی مرده گذاشته‌اند. یکی از پرنده‌فروش‌ها می‌گوید: «این پرنده‌ها قبل از رسیدن به جمعه‌بازار و پیدا کردن مشتری، به دلیل زیادبودن تعداد پرنده‌ها در قفس، تلف شده‌اند. قیمتی که برای فروش کبوترها می‌دهند، از ۱۵۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان است. بیشتر آدم‌های این طرف دیوار، قسمت پرنده‌ها، یک یا دو کبوتر در دست دارند. بعضی از افراد هم بالای کبوتری را که در دستشان گرفته‌اند، باز و بسته می‌کنند.»

### ● پرندگان ساقی

به عنوان خریدار کبوتر، سراغ یکی از فروشنده‌ها می‌رویم. مرد فروشنده، داخل قفس، چند کبوتر به رنگ‌های مختلف دارد. هر کسی که می‌خواهد کبوتری بخرد، اسمش را می‌داند و با گفتن اسم آن فروشنده کبوتر را از میان کبوترهایش جدا می‌کند. اما ما مجبور می‌شویم با اشاره دست، یکی از پرنده‌های داخل قفس را نشان دهیم؛ «کفتر کیلومتری می‌خواهید؟» سؤالش را با تعجب بسیار مطرح می‌کند. جواری که ما هم با

# معامله سگ بدون مجوز

## در جمعه‌بازار فقط خرید و فروش پرندگان زینتی مجاز است

بازار و اینکه بدانیم ناظر عملکرد خرید و فروش سگ‌ها کدام نهاد است، دامپزشکی استان را معرفی می‌کند. اما دکتر احمد ربیعی، مدیرکل دامپزشکی استان، در پاسخ به ما می‌گوید جزئیات مربوط به این بازار را از رئیس شبکه دامپزشکی مشهد جویا شویم، چون وی اطلاعات جامع‌تر و کامل‌تری دارد.

### ● مجوز فروش پرندگان زینتی دارند و بس!

آخرین فردی که سراغش می‌رویم، دکتر محمود جوادى نژاد، رئیس شبکه دامپزشکی مشهد است. او می‌گوید: مجوز این بازار با ظرفیت ۵۰۰ قطعه پرنده زینتی به فردی داده شده است و این مجوز تا مهرماه امسال اعتبار دارد. به گفته‌ی، مجوز اعطایی، فقط برای خرید و فروش پرندگان زینتی است.

او درباره فروش سگ‌های مهاجم بیان می‌کند: این بازار فقط مجوز خرید و فروش پرندگان زینتی را دارد و خرید و فروش هر نوع حیوان دیگری، حتی پرندگانی که ذبح می‌شوند و جنبه خوراکی دارند، تخلف است؛ اما این نکته را در نظر بگیرد که ما نقض قانون داریم. اگر فردی قصد داشته باشد

داشته باشد، روزی اهل آن خانه زیاد می‌شود. آن قدر هدهد خواهان دارد که تا یک ساعت دیگر همین چند هدهد دیگر را هم می‌برند. خیلی‌ها هم برای دعانویسی هدهد می‌خرند. درباره اینکه هدهد چه نقشی در دعانویسی دارد، فروشنده این طور توضیح می‌دهد: هدهد پرنده خوش یعنی است. خیلی وقت‌ها آدم‌هایی که هدهد می‌خرند، به سفارش دعانویس‌ها این کار را می‌کنند. دعانویس‌ها از خون هدهد برای نوشتن دعا و بخت‌گشایی و روزی استفاده می‌کنند. کمی جلوتر و تقریباً در میانه بازار، بوی فلافل و روغن داغ سوخته می‌آید. دکه فلافل‌فروشی میان قفس‌های پرنده‌ها مشتری‌های پرورقاصری دارد و سر فروشنده حسابی شلوغ است. معامله کردن در این هوای گرم تابستان انرژى می‌گیرد و در نقطه مقابل، عطش برای خرید نوشابه‌های شیشه‌ای بزرگی دوچندان است. شیشه‌های نوشابه، دست خریداران و فروشنده‌گان بازار از دوگانگی گرمای هوا و سردی یخ‌ها عرق کرده است.

### ۳ روایت سوم، فروش کیسه برنج

پسرپچه‌ای گوشه‌ای از بازار نشسته‌است و حلقه‌های رنگی و فلزی بای کبوتر می‌فروشد. هر جفت از حلقه‌های رنگی پلاستیکی را هزار تومان می‌فروشد. حلقه‌های فلزی را از ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان می‌فروشد. از نظر جثه به پسرپچه‌ای می‌خورد که حدود ۸ سال داشته باشد. باینکه سن‌وسالی ندارد، به کاری که انجام می‌دهد، حسابی وارد است و سعی می‌کند در همه‌مردمانی که از کنارش عبور می‌کنند، با دادزدن نگاه‌آنان را به خودش جلب کند. لحظه‌ای کوتاه، مات حلقه‌های رنگی پسرپچه هستیم که پسرپچه‌ای بزرگ‌تر از او نزدیکمان می‌آید و سا نزدیک کردن سرش به ما آرام می‌گوید: خانم، حلقه‌های کفتر می‌خواهی؟ من ارزان‌تر می‌فروشم. این اول بازار نشسته و گران می‌دهد؛ من آن طرف دیوار حلقه می‌فروشم. بیا آن طرف دیوار و ببین چقدر قشنگ‌تر و ارزان‌تر هستند.

با دستش در کوچک روبه‌رویمان را نشان می‌دهد که به بیرون و پشت‌باز راه دارد. پشت دیوار بازار هم ردیفی از فروشنده‌گان پرنده نشسته‌اند. پسر دوان دوان می‌شای رود، تا جایی که حلقه‌هایی را که فروشد، نشان دهد. پلاستیکی بزرگ حلقه‌های رنگی را زمین گذاشته است. سر پلاستیک را باز می‌کند. دستش را زیر حلقه‌های رنگی داخل پلاستیک می‌برد و مشتیی از حلقه‌های رنگی را برای نشان دادن بیرون می‌کشد. کنار دستش یک پلاستیک بزرگ مسیاه نیز گذاشته است. سر این پلاستیک سیاه را باز می‌کند. داخل کیسه‌ها مال داداشم است. الان رفته آن طرف بازار. می‌خواهی کفتر یا مرغ بخری؟ چون قفسی همراهت نیست، از این کیسه‌های برنج بخر که راحت‌بری. هر کیسه ۲۰۰۰ تومان است.»

ابوالفضل و برادرش از بچه‌های روستای کلاته فیض آباد جاده کنه‌بیسست هستند. جمعه‌ها به این بازار می‌آیند تا حلقه‌های رنگی و کیسه‌های برنج را که جمع کرده‌اند، به خریداران بفروشند؛ «ز روستای ما تا اینجا راه زیادی نیست. برادرم و دوستانم قرار می‌گذاریم تا کیسه‌هایی را که جمع کرده‌ایم، اینجا بفروشیم.»

### ۴ روایت چهارم، به دنبال کرم و ملخ

در میان فروشنده‌گان مرغ و کبوتر، مردی یک جعبه از جنس آکاسیو دارد. داخل آکاسیو چندش آکاسیو آور است. آکاسیو پراز کرم‌است. فروشنده می‌گوید این کرم‌ها از آن مدل کرم‌هایی است که مخصوص خوراک پرندگان است؛ «این کرم‌ها خوراک جل، جوجه لاری، شانه‌به‌سرس است. هر کیلوگرم از این کرم‌ها ۱۰۰ هزار تومان است. اگر هم نگهداری کرم را دوست نداری، پودر کرم ببری. پودر کرم کیلویی ۱۸۰ هزار تومان است!» در فاصله‌ای نسبتاً دور از جمعه‌بازار پرندگان، مردی فارغ از همه‌هیاهویی که بسازار پرندگان دارد، با مگس‌کشی به دنبال ملخ‌های بیابان است. پلاستیک کوچکی در دستش دارد و ملخ‌ها را بعد از کشتن با مگس کش داخل آن می‌ریزد. از کارش که می‌پرسم حس و حال جواب‌دادن ندارد و تمام تمرکزش را گذاشته روی ملخ‌هایی که در زمین‌های خالی اطراف بازار لایه‌لای خرا‌ها می‌برند. آن طرف‌تر یکی از بازاریان متوجه سؤال ما می‌شود و در توضیحاتی می‌گوید: این مرد بیشتر وقت‌ها اینجا می‌آید. نمی‌دانم واقعاً چرا می‌کشد! یک‌بار گفته بود که از ساکنان مهدی‌آباد است و پرنده دارد. ملخ‌ها را برای پرنده‌هایش می‌کشد. معلوم نیست چندتا پرنده دارد که می‌خواهد با این چند ملخ، آن‌ها را سیر کند. ●




**سده میرزاده**  
**مهرداد میرزاده**  
**(نوه‌های نازنینش)**

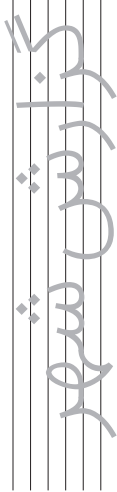
**موفقی‌ت‌سازان در پایه هفتم و اول تریک گتسه، امیدوارم روند پیشرفت‌سازان تا مقاطع بالاتر ادامه داشته باشند**

از طرف **بابا علی و ماما ناهید (سر‌هک سید علی حدیدی)**  
**دایی امیر، خاله مریم، خاله اعظم**



روزنامه شهرامید ورزشگاهی

شنبه ۳۳ شهریور ۱۳۹۰  
شماره ۳۳۰۰  
شماره ۳۳۰۰



هر کسی هر مدل حیوان دارد، با ماشینی یا موتور به بازار می‌آورد. تعدادی از خریدارها هم قفس‌هایی به همراه دارند تا اگر معامله‌شان به قولی جوش خورد، حیوان زیان‌بسته را داخل قفس بگذارند و ببرند. حیواناتی که به بازار آورده‌اند، تنوع دارند.